



بررسی اثربخشی تقویت اعتماد به نفس بر نگرش به ازدواج مجدد زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد یزد

اشرف عسکری باغمیانی^۱، نسرين بابائیان^۲

چکیده

پیش‌زمینه و هدف: پژوهش حاضر بررسی اثربخشی تقویت اعتماد به نفس بر نگرش به ازدواج مجدد زنان مطلقه تحت پوشش کمیته امداد می‌باشد. **مواد و روش کار:** روش پژوهش شبه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. از جامعه آماری کلیه زنان مطلقه ۲۰ تا ۴۰ سال تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان یزد ۲۴ نفر نمونه در قالب دو گروه آزمایش و کنترل انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه نگرش به ازدواج بارتین و روزن استفاده شد. **یافته‌ها:** پس از تحلیل کواریانس چنین حاصل شد که با کنترل اثر پیش‌آزمون، آموزش اعتماد به نفس در زنان مطلقه بر نگرش آنها به ازدواج مجدد و مولفه‌های آن موثر بوده است. **بحث و نتیجه‌گیری:** نتایج پژوهش نشان می‌دهد که آموزش اعتماد به نفس سبب شده نگرش ایده‌آل‌گرایانه زنان مطلقه نسبت به ازدواج مجدد کمتر شود، سپس نگرش واقع-گرایانه به ازدواج مجدد پیدا و در نتیجه نگرش بدبینانه آنها نسبت به ازدواج مجدد کمتر شود و در کل نگرش به ازدواج مجدد را بهبود بخشیده است. پیشنهاد می‌گردد سازمان‌هایی که با زنان مطلقه سر و کار دارند کارگاه‌هایی در زمینه افزایش اعتماد به نفس برای ایشان برگزار نمایند، که این امر سبب تغییر نگرش زنان مطلقه نسبت به ازدواج مجدد شده و علاوه بر افزایش تمایل به ازدواج، کیفیت زندگی مجدد را نیز بالاتر می‌برد.

کلید واژه‌ها: اعتماد به نفس، زنان مطلقه، نگرش به ازدواج مجدد

^۱ کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، روانشناسی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد،
^۲ دکتری مددکاری اجتماعی، استادیار دانشکده علوم اجتماعی، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، یزد (نویسنده مسئول)

عزت نفس از مشخصه‌های دیرپای روانی شخصیتی بشری است. گزارش‌های تاریخی و نظریات فیلسوفان و اندیشه‌وران حوزه‌های تعلیم و تربیت در طول هزاران سال گذشته گواه بر این مطلب است که برای انسان هیچ حکم ارزشی مهمتر از داوری وی دربارهٔ خودش نبوده است (محمدعلی نژاد عمران، کمالوند، ۱۳۹۵). در تعریفی به نسبت جامع می‌توان گفت عزت نفس عبارت است از احساس ارزشمند بودن که از مجموع افکار، عواطف، احساس‌ها و تجربیات انسان در طول زندگی حاصل می‌شود. به بیان دیگر؛ تصورات، ارزیابی و تجربه‌ای که انسان از خویشتن دارد باعث می‌شود نسبت به خود احساس خوشایند ارزشمند بودن یا برعکس احساس ناخوشایند بی‌کفایتی داشته باشد. اساساً انسانی که خود را مفید و ارزشمند بداند و عزت نفس بالایی داشته باشد از سلامتی روانی بالاتری بهره‌مند خواهد بود. (محرابی‌زاده هنرمند و همکاران، ۱۳۸۳) از توانایی‌ها، استعدادها و شایستگی‌های خود آگاهی دارد و به آن‌ها متکی است. این موضوع، عامل اساسی یک زندگی شاد و رضایت‌بخش است که موفقیت در کار، زندگی خانوادگی و فعالیت‌های خلاقانه را تحت تأثیر قرار می‌دهد (خدایی، ۱۳۹۵) و زنان دارای اعتماد به نفس، مهارت‌های اجتماعی و جرات‌ورزی بالا، انگیزه بالاتری برای ازدواج دارند (محبی، ۱۳۸۰) همچنین بر ارزیابی مثبت از همسر و رضایت زناشویی و ازدواج موفق اثرگذار است (ساکو و فارس، ۲۰۰۱).

زنانی که طلاق را تجربه کرده‌اند از اعتماد به نفس بسیار پایینی برخوردارند و در برابر مشکلات، احساس از هم‌گسیختگی و عدم تحمل دارند. حس سرزنش گرایانه زنان مطلقه، پیامدی جز احساس یأس، سرخوردگی و از دست رفتن اعتماد به نفس برای آن‌ها ندارد در نهایت این حجم از سرخوردگی و از دست دادن اعتماد به نفس، باعث گوشه‌گیری و کنار رفتن از فعالیت‌های اجتماعی خواهد شد (نجف سولاری، ۱۳۹۵).

ازدواج مجدد به عنوان یک راه حل و یک سیستم حمایتی می‌تواند با فراهم آوردن سرپناه امن، تا حدی این آسیب‌های طلاق را کاهش دهد (آبرین، ۲۰۱۱). سیستم حمایتی فعال موجب می‌شود فردی که با بحران روبه رو شده است، اعتماد به نفس از دست رفته خود را بازیابد و رضایت بیشتر از خود داشته و لذا بهتر و مؤثرتر با بحران مقابله نماید (صادقی و اساری، ۱۳۹۱) همچنین حمایت‌هایی که زنان مطلقه از ازدواج مجدد در ابعاد مختلف مانند حمایت‌های مالی و عاطفی برخوردار می‌شوند، سلامت روانی آنها را تضمین می‌کند (آبرین، ۲۰۰۱). از طرفی بررسی عواملی که در کیفیت زندگی زناشویی و سلامت روان نقش دارند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. یک دسته از این عوامل فرآیندهای درون فردی است که از آن جمله می‌توان به نگرش به ازدواج اشاره کرد (بردبری، فینچام، بیچ، ۲۰۰۰). تحقیقات نشان داده‌اند که ساختار و محیط خانواده در نگرش به ازدواج و اعتماد به نفس نقش اساسی دارد (کری، ۲۰۰۶). زنان مطلقه پس از طلاق، خود را مورد بازسازی قرار نمی‌دهند. بنابراین آسیب‌های روانی پس از طلاق در آنها ماندگار می‌شود و باعث ایجاد ترس‌ها و نگرانی‌های زیادی در مورد زندگی و آینده‌شان می‌گردد. در نتیجه نگرشی منفی همراه با بی‌اعتمادی به مردان و ازدواج در زنان مطلقه بوجود می‌آید (عسکری و جوادیان، ۱۳۹۵).

با عنایت به اینکه اعتماد به نفس، باعث توانایی افراد برای، آموختن و گرفتن تصمیمات و انتخاب‌های عاقلانه است و اینکه به گونه‌ای مؤثر به تغییرات پاسخ دهند و بتوانند به موفقیت، پیشرفت، رضایت و شادمانی برسند و همچنین بین اعتماد به نفس و ازدواج رابطه مستقیمی وجود دارد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت زنانی که گسسته شدن خانواده‌شان را تجربه می‌کنند دچار پریشانی، افسردگی، اضطراب، تنهایی، عدم کنترل، بدبینی و عدم اعتماد، مشکلات رفتاری و عاطفی، عزت نفس پایین و روابط بین فردی محدودتر می‌شوند و اثر اکثر اینها تا سالهای طولانی باقی است (ساکو و فارس، ۲۰۰۱). از سوی دیگر ارتقای اعتماد به نفس، قابل یادگیری و افزایش است. عدم آگاهی نسبت به اینکه شکست‌ها و تجارب ناموفق در زندگی تنها مختص آنان نیست، همین طور آگاهی نسبت به این مسئله که وضعیت زندگیشان دلیلی جهت طرد و مسخره شدن از طرف دیگران نیست، سبب می‌شود که با اعتماد به نفس بیشتری در جمع‌های اجتماعی حاضر شده و فعالیت داشته باشند. وجود این باورها که در درازمدت منجر به افزایش سازش اجتماعی افراد در محیط‌های اجتماعی مختلف می‌گردد. بی‌گمان با شناخت بهتر خود، افزایش توجه به خود و همین‌طور توانایی‌های خود و آگاهی نسبت به باورها و افکار غیرمنطقی، می‌تواند به مطلوبترین سطح سازش یافتگی اجتماعی و مؤثرترین شکل ارتباط با دیگران دست

یافت (آکین، اسکندر، ۲۰۱۱) به باور اروجلو و خدابخشی کولایی (اورجلو، خدابخشی، ۱۳۹۵) زنان سرپرست خانوار (از جمله زنان مطلقه) با ویژگی شخصیتی برون‌گرایی و پذیرا بودن تمایل بیشتری به ازدواج مجدد دارند. از سوی دیگر بررسی نگرش زنان مطلقه به ازدواج مجدد و براساس آن ارائه راه‌کارهایی برای بروز این پدیده می‌تواند بسیاری از هزینه‌های ملی را که دولت برای نگهداری زنان مطلقه به نهادهای حمایتی می‌پردازد، کاهش دهد. و خطرات ناشی از طلاق که زنان مطلقه و جامعه را تهدید می‌کند، مانند در معرض رفتارهای انحرافی قرار گرفتن، در معرض افسردگی و سوء استفاده قرار گرفتن، به هم خوردن ارتباطات معمول اجتماعی، در معرض تجرد قطعی قرار گرفتن و... در صورت اقدام به ازدواج مجدد از نظر زنان مطلقه، مصونیت را برای این گروه از زنان به همراه خواهد داشت (محمدعلی‌نژاد عمران، کمالوند، ۱۳۹۵). در راستای توجه به این مهم مطالعه حاضر با هدف طراحی بسته آموزشی جهت آموزش مهارت‌های افزایش اعتماد به نفس به زنان مطلقه و بررسی اثربخشی آن بر نگرش به ازدواج مجدد که به عنوان راه حلی برای از بین بردن احساس تنهایی و یک سیستم حمایتی جهت کاهش آسیب‌های طلاق می‌باشد، طراحی شد.

مواد و روش کار

روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون، پس‌آزمون با گروه کنترل است و مطالعه از نوع مداخله‌ای می‌باشد. تمام زنان مطلقه ۲۰ تا ۴۰ سال تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی شهرستان یزد در سال ۱۳۹۹ جامعه آماری این پژوهش را تشکیل می‌دهند که براساس آمار کمیته امداد امام خمینی ۹۵۶ نفر بودند. حجم نمونه در این تحقیق از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ به این صورت که در ابتدا پس از مراجعه زنان مطلقه تحت پوشش امداد به واحد مشاوره، در نخستین جلسه مشاوره مصاحبه بالینی ساختار یافته انجام شد و طی مراحل ارزیابی از بین ۹۵۶ زن مطلقه داری شرایط ۲۴ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۲ زن) و کنترل (۱۲ زن) گمارده شدند و سپس یک گروه به مدت هشت هفته آموزش مهارت‌های تقویت اعتماد به نفس را دریافت کردند درحالی‌که گروه کنترل در لیست انتظار بودند. هر دو گروه به مقیاس نگرش به ازدواج بارتین و روزن در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون جواب دادند.

پرسشنامه نگرش به ازدواج بارتین و روزن به منظور سنجش نگرش به ازدواج از نسخه فارسی پرسشنامه نگرش به ازدواج بارتین و روزن استفاده شد. این پرسشنامه شامل ۲۳ گزاره با مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت، از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است که باورها و نگرش‌های مربوط به ازدواج را می‌سنجد. گزاره‌های ۱، ۲۰، ۳، ۵، ۸، ۱۲، ۱۶، ۱۹، و ۲۳ به طور معکوس نمره گذاری می‌شوند. از طریق جمع نمرات گزاره‌ها، نمره کلی که حداقل ۲۳ و حداکثر ۹۲ است، به دست می‌آید. نمرات بالاتر نشان دهنده نگرش مثبت‌تر نسبت به ازدواج است. این پرسشنامه دارای ۴ بعد می‌باشد: ۱- نگرش بدبینانه به ازدواج ۲- نگرش خوش بینانه به ازدواج ۳- نگرش واقع بینانه به ازدواج ۴- نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج. بررسی‌ها در ایران و خارج از ایران بیانگر آن است که این آزمون از پایایی و روایی قابل قبول برخوردار است. (بارتین و روزن، ۱۳۹۸)

براساس گزارش بارتین و روزن مقیاس نگرش به ازدواج با پرسشنامه نگرش به ازدواج (نگرش نسبت به مقیاس ازدواج) همبستگی بالایی ($r=77$) دارد که نشان می‌دهد هر دو مقیاس ابعاد بسیار مشابهی از نگرش به ازدواج را می‌سنجند (بارتین و روزن، ۱۳۹۸) و همچنین در پژوهش نیل فروشان و همکاران (نیل‌فروشان، نویدیان، عابدی، ۱۳۹۲) روایی محتوایی و همگرایی این مقیاس تایید گردید و پایایی آن با استفاده از روش آلفای کرونباخ $0/76$ به دست آمد که حاکی از مطلوب بودن پایایی این پرسشنامه است (نجف سولاری، ۱۳۹۵).

پس از انتخاب گروه نمونه مقیاس بارتین و روزن در مرحله پیش‌آزمون بین آنها توزیع و اجرا گردید و سپس گروه نمونه در دو گروه جایگزین شدند. گروه آزمایش به مدت ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای در معرض متغیر مستقل آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس قرار گرفتند درحالی‌که گروه کنترل در لیست انتظار بودند. برای سنجش تاثیر تقویت اعتماد به نفس بر نگرش به ازدواج مجدد زنان مطلقه از روش تحلیل کواریانس که پیش فرض نرمال بودن توزیع داده‌ها و هم‌چنین شرط برابری واریانس‌های بین گروهی رعایت شده بود، استفاده گردید که با نرم افزار آماری SPSS21 انجام شد. مداخلات درمانی به شرح جدول ۱ برای گروه آزمایش در هشت جلسه برگزار شد.

جدول ۱: محتوای جلسات گروه درمانی آموزش مهارت‌های افزایش اعتماد به نفس

جلسه آموزشی	محتوای جلسات
جلسه اول	آشنایی اعضای گروه با یکدیگر، بیان قوانین و مقررات گروه، برقرای رابطه درمانی، آشنا نمودن افراد با موضوع پژوهش، پاسخ به پرسشنامه و بستن قرار داد درمانی.
جلسه دوم	بارش فکری اعضا از اعتماد به نفس، تعریف اعتماد به نفس معرفی شاخص های اعتماد به نفس
جلسه سوم	آموزش مهارت احترام به خود، شناسایی سرزنش ها و احساس گناه، سلامت جسم و روح، ارائه تمرین جلسه بعد
جلسه چهارم	مرور تمرین جلسه قبل، آموزش مهارت: ارتباط مطلوب با خود و دیگران، تقدیر و ستایش از خود، شناخت توانمندی ها و ضعف ها، ارائه تمرین جلسه بعد
جلسه پنجم	مرور تمرین جلسه قبل، آموزش مهارت: تفکیک انتظارات و واقعیت‌ها، شناخت ترسها، بررسی الگوهای ذهنی و عینی درخصوص طلاق
جلسه ششم	بارش فکری اعضا از ازدواج مجدد، بررسی مشکلات
جلسه هفتم	بررسی جوانب مختلف ازدواج مجدد، بیان نقش موثر خودشناسی در ازدواج مجدد و آموزش مهارت خودشناسی در ازدواج مجدد،
جلسه هشتم	ادامه مبحث آموزش مهارت خودشناسی، دریافت بازخورد شرکت کنندگان، جمع بندی اجرای پس آزمون

یافته‌ها

برای تجزیه تحلیل داده‌های پژوهش از روش‌های آمار توصیفی استفاده شد. که توصیف متغیرهای جمعیت‌شناسی نمونه تحقیق بدین شرح است: ۵۰ درصد زنان شرکت کننده در پژوهش بین ۵ تا ۱۰ سال و ۳۴ درصد بین ۱۰ تا ۱۶ درصد بیش از ۱۰ سال سابقه زندگی مشترک داشتند. تحصیلات ایشان بین مقطع ابتدایی و کارشناسی متغیر بود ۴۱ درصد بدون فرزند، ۳۴ درصد دارای یک فرزند و ۲۵ درصد ۲ یا ۳ فرزند داشتند. ۸۷ درصد بین ۵ تا ۱۰ سال و ۲۲ درصد بیش از پنج سال از زمان جدایی از همسرشان سپری شده بود.

پیش از تحلیل داده‌ها، مفروضه‌های آماری مورد نیاز جهت انجام تحلیل کواریانس بررسی گردید. جدول ۲ میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای وابسته پژوهش را در دو گروه آزمایش و کنترل در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون نشان می‌دهد که افزایش محسوس در گروه آزمایش نسبت به کنترل در متغیر نگرش به ازدواج و مولفه‌های آن در مرحله پس‌آزمون و پیش‌آزمون ایجاد نشده است. نتیجه آزمون شاپیرو-ویلک حاکی از برقراری شرط توزیع طبیعی نمره‌ها است زیرا سطح معناداری متغیرها در دو گروه بیشتر از ۰.۰۵ است ($P > 0.05$).

جدول ۲: خلاصه شاخص‌های توصیفی نمرات گروه آزمایش و کنترل در دو مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون

متغیر	گروه	پیش‌آزمون		پس‌آزمون	
		M	SD	M	SD
نگرش به ازدواج	کنترل	66.33	4.83	62.58	4.66
	آزمایش	68.00	8.40	67.58	2.18
نگرش بدبینانه	کنترل	24.08	3.42	25.58	3.82
	آزمایش	25.83	2.62	23.08	3.18
نگرش خوش بینانه	کنترل	15.00	2.66	13.92	2.94
	آزمایش	15.83	3.64	15.08	2.39
نگرش واقع‌گرایانه	کنترل	18.33	3.82	15.00	4.84
	آزمایش	17.08	4.85	18.50	5.40

0.14	0.94	2.02	10.58	2.02	8.92	کنترل	نگرش ایده‌آل‌گرایانه
0.19	0.94	2.02	8.42	2.22	9.25	آزمایش	

یکی از مفروضه‌های استفاده از تحلیل کوواریانس، همگنی رگرسیون متغیرهای کمکی و وابسته است. داده‌ها حاکی از وجود رابطه خطی بین متغیرها در گروههای کنترل و آزمایش در پس‌آزمون است داده‌های جدول (۳) حاکی از همگنی رگرسیون دو متغیر کمکی و وابسته است. بر اساس داده‌های سطر سوم جدول (۳) چون مقدار ($f=0.079$ و $p=0.068$) است؛ بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیون دو متغیر برقرار است و شرایط استفاده از تحلیل کوواریانس وجود دارد. اطلاعات جدول (۳) حاکی از آن است که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر معنی داری عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود دارد ($f(۲۱ تا ۲۱)=۴.۹۱$ و میزان تاثیر $=۰.۱۹$ - $p>0.05$) بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین میزان نگرش به ازدواج زنان مطلقه‌ای که آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس دیده‌اند و گروه کنترل تفاوت معنی داری وجود دارد و زنان مطلقه گروه آزمایش نگرش بهتری نسبت به ازدواج مجدد داشتند.

جدول (۳): بررسی همگونی شیب رگرسیون متغیرهای وابسته در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	میزان تاثیر
پیش‌آزمون	227.47	1.00	227.47	4.91	0.04	0.19
گروه	105.04	1.00	105.04	2.27	0.15	0.10
تعامل گروه و متغیر وابسته	۹۹۹.۸۳	۱۸	۵۵.۵۵	۰.۷۹	۰.۶۸	
خطا	972.36	21.00	46.30			

بر اساس داده‌های سطر سوم جدول (۴) چون مقدار ($f=0.092$ و $p=0.57$) است؛ بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیون دو متغیر برقرار است و شرایط استفاده از تحلیل کوواریانس وجود دارد. اطلاعات جدول (۴) حاکی از آن است که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر معنی داری عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود دارد ($f(۲۱ تا ۲۱)=7.03$ و میزان تاثیر $=0.25-0.05$ - $p>0.05$) بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین میزان نگرش بدبینانه به ازدواج مجدد زنان مطلقه‌ای که آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس دیده‌اند و گروه کنترل تفاوت معنی داری وجود دارد و زنان مطلقه گروه آزمایش نگرش بدبینانه کمتری نسبت به ازدواج مجدد داشتند.

جدول (۴): بررسی همگونی شیب رگرسیون متغیرهای وابسته در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	میزان تاثیر
پیش‌آزمون	68.16	1.00	68.16	7.03	0.01	0.25
گروه	12.22	1.00	12.22	1.26	0.27	0.06
تعامل گروه و متغیر وابسته	۱۸۲.۳۳	۱۴	۱۳.۰۲	۰.۹۲	۰.۵۷	
خطا	203.68	21.00	9.70			

بر اساس داده‌های سطر سوم جدول (۵) چون مقدار ($f=1.43$ و $p=0.29$) است؛ بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیون دو متغیر برقرار است و شرایط استفاده از تحلیل کوواریانس وجود دارد. اطلاعات جدول (۵) حاکی از آن است که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر معنی داری عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود دارد ($f(۲۱ تا ۲۱)=1.21$ و میزان تاثیر $=0.05-0.05$ - $p>0.05$)

بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین میزان نگرش خوشبینانه به ازدواج مجدد زنان مطلقه‌ای که آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس دیده‌اند و گروه کنترل تفاوت معنی داری وجود ندارد.

جدول (۵): بررسی همگونی شیب رگرسیون متغیرهای وابسته در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	میزان تاثیر
پیش آزمون	8.59	1.00	8.59	1.21	0.28	0.05
گروه	10.42	1.00	10.42	1.47	0.24	0.07
تعامل گروه و متغیر وابسته	۱۰۷.۸۳	۱۳	۸.۳۰	۱.۴۳	۰.۲۹	
خطا	149.24	21.00	7.11			

داده‌های جدول (۶) حاکی از همگنی رگرسیون دو متغیر کمکی و وابسته است. بر اساس داده‌های سطر سوم جدول (۶) چون مقدار ($f=1.30$ و $p=0.42$) است؛ بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیون دو متغیر برقرار است و شرایط استفاده از تحلیل کوواریانس وجود دارد. اطلاعات جدول (۶) حاکی از آن است که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر معنی داری عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود دارد ($f(۲۱)$ تا 11.18 و میزان تاثیر $=0.35-0.05 > p$) بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین میزان نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج مجدد زنان مطلقه‌ای که آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس دیده‌اند و گروه کنترل تفاوت معنی داری وجود دارد و زنان مطلقه گروه آزمایش نگرش واقع بینانه بیشتری نسبت به ازدواج مجدد داشتند.

جدول (۶): بررسی همگونی شیب رگرسیون متغیرهای وابسته در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	میزان تاثیر
پیش آزمون	201.13	1.00	201.13	11.18	0.00	0.35
گروه	111.84	1.00	111.84	6.22	0.02	0.23
تعامل گروه و متغیر وابسته	۵۳۷.۵	۱۸	۲۹.۸۶	۱.۳۰	۰.۴۲	
خطا	377.87	21.00	17.99			

بر اساس داده‌های سطر سوم جدول (۷) چون مقدار ($f=2.48$ و $p=0.08$) است؛ بنابراین فرض همگنی شیب رگرسیون دو متغیر برقرار است و شرایط استفاده از تحلیل کوواریانس وجود دارد. اطلاعات جدول (۷) حاکی از آن است که پس از تعدیل نمرات پیش‌آزمون، اثر معنی داری عامل بین آزمودنی‌های گروه وجود دارد ($f(۲۱)$ تا 14.51 و میزان تاثیر $=0.41-0.05 > p$) بنابراین با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت که بین میزان نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج مجدد زنان مطلقه‌ای که آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس دیده‌اند و گروه کنترل تفاوت معنی داری وجود دارد و زنان مطلقه گروه آزمایش نگرش ایده‌آل‌گرایانه کمتری نسبت به ازدواج مجدد داشتند.

جدول (۷): بررسی همگونی شیب رگرسیون متغیرهای وابسته در دو گروه آزمایش و کنترل

منبع تغییرات	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	مقدار F	سطح معنی‌داری	میزان تاثیر
پیش آزمون	36.71	1.00	36.71	14.51	0.00	0.41
گروه	33.46	1.00	33.46	13.23	0.00	0.39
تعامل گروه و متغیر وابسته	۹۰.۰۳	۱۳	۶.۹۳	۲.۴۸	۰.۰۸	

			2.53	21.00	53.13	خطا
--	--	--	------	-------	-------	-----

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش نشان داد زنان مطلقه‌ای که مهارت‌های تقویت اعتماد به نفس را آموزش دیده‌اند در مقایسه با زنان مطلقه‌ای گروه کنترل که آموزشی دریافت نکرده‌اند نگرش بهتری به ازدواج مجدد دارند به عبارتی آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس موجب بهبود نگرش به ازدواج مجدد در زنان مطلقه شده‌است. این یافته‌ها با پژوهش‌های اصلانی‌فر و اسدزاده (اصلانی فر و اسدزاده ۱۳۹۷) سعادت‌ی و همکاران (سعادت‌ی و همکاران، ۱۳۹۶) و نجفی سولاری (نجف سولاری ۱۳۹۵) همسویی دارد. مظاهر رضایی جزایری (مظاهر رضایی ۱۳۸۳) نیز در پژوهش خود عنوان نمودند که زنانی که اعتماد به نفس بالاتری دارند انگیزه بالاتری نیز برای ازدواج دارند.

ازدواج در اکثر جوامع پایه و اساس خانواده را شکل می‌دهد و بخش بسیار مهمی از زندگی فردی و اجتماعی است و در جوامع شرقی، تعیین کننده هویت و احساس ارزشمندی است، آسیب دیدن آن موجب احساس گناه، رانده شدن و کم شدن اعتماد به نفس می‌شود. و به دنبال آن مجرد ماندن زنان مطلقه، آسیب‌ها و پیامدها و مشکلات زیادی را همراه دارد این مشکلات مانند حلقه‌های زنجیر همدیگر را تقویت می‌کند و زنان را تحت فشار مضاعفی در زندگی خود قرار می‌دهد (عسکری و جوادیان ۱۳۹۵). کمبود و نارسایی کنترل عواطف موجب به خطر افتادن سلامت روان و ایجاد آسیب‌های فردی می‌شود. سازگاری پس از طلاق، فرآیند جدایی از رابطه زناشویی، حل احساسات ناشی از گسستگی زناشویی، تثبیت رابطه پس از طلاق با همسر قبلی و جدید، یا هر دو می‌باشد. بنابراین، بازسازی روانی، اجتماعی و اقتصادی زنان مطلقه و سوق دادن آنان به ازدواج مجدد، در جهت کاهش پیامدهای طلاق است (عسکری و جوادیان، ۱۳۹۵).

یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان نگرش ایده‌آل‌گرایانه، واقع‌گرایانه، و بدبینانه به ازدواج مجدد زنان مطلقه‌ای که آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس را کسب کرده‌اند در مقایسه با زنان مطلقه گروه کنترل که آموزشی ندیده‌اند تفاوت معناداری وجود دارد. در واقع آموزش اعتماد به نفس سبب شده نگرش ایده‌آل‌گرایانه زنان مطلقه به ازدواج مجدد کاهش یابد شواهد موجود بیانگر آن است که داشتن نگرش‌های آرمان‌گرایانه و شاعرانه نسبت به ازدواج و روابط زناشویی از سوئی و ازدواج مبتنی بر هوا و هوس و جاذبه‌های مالی یا زیبایی از سوی دیگر، زوجها را با سوءتفاهم‌ها و تضادهای بیشتری روبرو ساخته و این گونه پیوندها به زودی به سستی می‌گراید. به نظر می‌رسد دلیل اصلی چنین مشکلاتی، انتظارات غیر واقع‌بینانه طرفین به ازدواج است نتایج این بخش تحقیق با نتایج معمارزاده و همکاران (معمار زاده و همکاران، ۱۳۹۶) همسو است.

طبق نتایج پژوهش معلوم شد که آموزش اعتماد به نفس سبب شده زنان مطلقه نگرشی واقع‌گرایانه به ازدواج مجدد پیدا کنند. که این نتایج با قسمتی از تحقیقات یکله و همکاران (یکله و همکاران، ۱۳۹۶) و عسکری و جوادیان (عسکری، جوادیان، ۱۳۹۵) همخوانی دارد. بیشتر ابعادی که زنان در آن مبادرت به بازتعریف خود می‌کنند شامل نقش‌های جدید، سبک زندگی جدید، ارتباطات جدید، و «خود» امنیت هستی شناختی و روانی است؛ ابعادی که هر یک با رخداد طلاق دست خوش تغییر و چالش می‌شود (سندستروم، ۲۰۱۱) و کیفیت زناشویی، پاسخ عاطفی فرد است به میزان رضایت، لذت، و یا احساس شادی که نسبت به ازدواجش دارد (کمپبل، ۲۰۱۲). ولی انتظارات غیرواقعی مانند «بی عیب و نقص بودن شریک جدید زندگی» می‌تواند اعضای خانواده را در ازدواج مجدد با مشکل مواجه کند (کمپبل، ۲۰۱۲). نتیجه این کار برجسته شدن مقوله ناهمخوانی اولویت‌ها بود که بر تمامی جنبه‌های تعامل زناشویی اثرگذار بوده و رد پای آن را می‌شد در اکثر مشکلاتی که زوجها تجربه می‌کنند، پیدا کرد (شجاعی، ۱۳۸۸)

عامل سوم بیشتر به مشکلاتی که در ازدواج پیش می‌آید از جمله ناشادی، نارضایتی، عدم رعایت انصاف و همراهی و همکاری، و محدودیت‌های ازدواج مربوط می‌شود. بدین ترتیب از آنجا که گویه‌های این عامل با نگرش محدود کننده نسبت به ازدواج هم‌خوان است، این عامل، نگرش بدبینانه به ازدواج نام گذاری شد. و بخش عمده‌ای از هیجانهای منفی که افراد تجربه می‌کنند ناشی از نشخوارهای فکری است که به دنبال تجارب منفی در ذهن آنها ایجاد می‌شود، در ازدواج مجدد افراد به دلیل داشتن ازدواج قبلی پرتعارض، و طی نمودن فرایند طولانی و پر از استرس طلاق، آسیب پذیرتر بوده و

اعتماد نمودن دوباره به فرد دیگر برایشان دشوار است (شجاعی، ۱۳۸۸). یافته‌های پژوهش نشان داد آموزش مهارت‌های اعتماد به نفس سبب کاهش نگرش بدبینانه زنان مطلقه به ازدواج شده است، این نتایج با یافته‌های تحقیق صادقی فسایی و ایثاری (صادقی، اساری، ۱۳۹۱) و قسمتی از پژوهش عسکری و جوادیان (عسکری، جوادیان، ۱۳۹۵) هم‌خوان است. نتایج تحقیق هم چنین نشان دادند که با وجود تاثیر اعتماد به نفس بر نگرش به ازدواج مجدد زنان مطلقه، به طور کلی و سه مولفه زیر مجموعه آن، نگرش ایده‌آل‌گرایانه به ازدواج مجدد، نگرش واقع‌گرایانه به ازدواج مجدد و نگرش بدبینانه به ازدواج مجدد، بر مولفه نگرش خوشبینانه به ازدواج مجدد تاثیری نداشته است. گویه‌های نگرش خوشبینانه به ازدواج مربوط به موفقیت، رفاقت، دوستی و قداست ازدواج است و ایجاد تغییر در این مسایل پایه‌ای نیاز به زمان و آموزش بیشتری می‌باشد با عنایت به اینکه آموزش‌ها محدود و کوتاه مدت و جهت افزایش آگاهی و تغییر نگرش بوده است، اثرات آن در طولانی مدت مشخص خواهد شد بنابراین آموزش‌ها در این قسمت نتوانسته تاثیری ایجاد کند. یکی از مهمترین پیامدهای طلاق مشکل اقتصادی زنان مطلقه می‌باشد و ایشان برای تامین مخارج خانواده مجبور به اشتغال هستند بنابراین فرصت چندانی برای خودسازی و آموزش ندارد از سوی دیگر هنوز به این باور نرسیده‌اند که باید بعد از طلاق به بازسازی خویش پردازند بنابراین شرایط و علاقه شرکت در کلاس‌های آموزشی را ندارند به همین سبب گردآوری آزمودنی‌ها برای شرکت در کلاس با دشواری روبرو بود. با این وجود پیشنهاد می‌گردد حداقل برای زوجینی که قصد ازدواج مجدد دارند این کلاس‌ها برگزار گردد تا آن‌ها قبل از ورود به زندگی جدید، شناخت بیشتری از خود و نگرش تغییر یافته‌شان به ازدواج و آگاهی بیشتر از چالش‌های بالقوه ازدواج مجدد پیدا کنند و بتوانند مهارت‌های ارتباطی‌شان را بالاتر ببرند. همچنین تحقیقی با همین محتوا در جامعه مردان مطلقه جهت بررسی عوامل موثر بر نگرش ایشان به ازدواج مجدد به عنوان سر دیگر طیف ازدواج مجدد، به امید غنی‌تر شدن کلاس‌های آموزشی، انجام گیرد.

References:

- Abbarin, F. (2011). Consequences and unspoken on the relationship between women heads of households. *Imam Khomeini Relief Committee.* (In Persian)
- Akin, A., & Iskender, M. (2011). Internet addiction and depression, anxiety and stress. *International online journal of educational sciences*, 3(1), 138-148.
- ASKARI, B. A., & JAVADIAN, S. R. (2018). The double pressure of life, the main outcome of divorce on women: A qualitative study(In Persian).
- Braaten, E. B., & Rosén, L. A. (1998). Development and validation of the Marital Attitude Scale. *Journal of Divorce & Remarriage*, 29(3-4), 83-91.
- Bradbury, T. N., Fincham, F. D., & Beach, S. R. (2000). Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *Journal of marriage and family*, 62(4), 964-980.
- Campbell, M. (2012). Exploring aspects of strong remarriages.
- Carey, K. M. (2006). *Effects of childhood family environment on marital attitudes*: Truman State University.
- Easlanifar, S. B., h. Asadzadeh, h. (2018). The effectiveness of positivist group therapy in promoting resilience and self-esteem of divorced women. *Women and Family Educational Culture*, 42 (In Persian).
- KHODAEI, M. V. (2016). EVALUATING THE PSYCHOLOGICAL METHODS OF TEACHING SELF-CONFIDENCE IN STORIES OF IRANIAN CHILDREN'S STORIES(In Persian).
- Mazaher Rezaei, S. J., A. . (2004). Psychological Factors Related to celibacy, Social Welfare Research Quarterly. *Social Welfare Quarterly*, 12, 287-300 (In Persian).
- Mehrabizadeh Honarmand, M., Mahmoodi, M., Shokrkon, H., & Najarian, B. (2004). A Comparison of Attitudes and Value System among Third-grade Grade High School

- Students with their Parents and Closest Classmates in Ahvaz. *Journal of Psychological Achievements*, 11(1), 121-142(In Persian).
- Memarzadeh, M., Khodabakhshi-koolae, A., & Khatiban, M. (2017). The effect of training the nine Enneagram personality types on spouse selection criteria and marital attitude of single girls. *J Educ Community Health*, 3(4), 24-30
- Mohammad Ali Nejad Omran, R., & Kamalvand, P. (2016). The concept of adaptive self-esteem in the Quran and humanistic psychology. *Counseling Culture and Psychotherapy*, 7(27), 1-32(In Persian).
- Mohebbi, S. F. (2001). Social Pathology of Divorced Women, *Women's Book Quarterly. Women's Book Quarterly*, 5(In Persian).
- Najafi Solari, F. (2016). *Effectiveness of Admission-Based and Commitment Therapy Group (ACT) Adaptation after Divorce and Emotional Welfare of Divorced Women in Isfahan* (Master Thesis), Islamic Azad University, Najafabad Branch(In Persian).
- Nilforoshan, P., Navidian, A., & Abedi, A. (2013). Studying the psychometric properties of Marital Attitude Scale. *Iranian Journal of Psychiatric Nursing*, 1(1), 35-47(In Persian).
- Orojloo, S., & KHODABAKHSHI, K. A. (2016). Comparison between personality traits and hope among female-headed households with or without tendency towards remarriage(In Persian).
- Saadati, N., Rostami, M., & Darbani, S. A. (2017). Comparing the effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy (ACT) and Compassion Focused Therapy (CFT) on improving self -esteem and post-divorce adaptation in women. *Journal of Family Psychology*, 3(2), 45-58(In Persian).
- Sacco, W. P., & Phares, V. (2001). Partner appraisal and marital satisfaction: the role of self-esteem and depression. *Journal of marriage and family*, 63(2), 504-513(In Persian).
- SADEGHI, F. S., & Esari, M. (2012). Gender analysis of life after divorce: A qualitative study(In Persian).
- Sandstrom, G. (2011). Marital Conflict and Depression in The Context of Marital Discord. *Cognitive Therapy and Research*, 25, 112-143(In Persian).
- Shojaei, M. S. (2009). *A path to self-respect and mental health*: Imam Institute Khomeini, Qom(In Persian).
- Yekleh, M., Mohsenzade, F., & Zaharakar, K. (2018). Study of Quality of Remarriage After Divorce Grounded Theory Method. *Quarterly Journal of Social Work*, 7(3), 17-31(In Persian).

